پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

ا. عمر فیض ـ کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

خلق قهرمان ویتنام در راه صلح وآزادی ملی خود پیکار میکنند

کنفرانس پاریس

آغاز مذاکرات بین اضلاع متحده امریکا و نما یند گا ن جمهوری دمو کراتیک ویتنام راجع به موضوع ویتنام ، باثبات می رساند که در شرایط معاصر اعمال قوت ، هر قدر بزرگ هم باشد ، نمیتواند هیچ مساله جهانی را حل کند. مقا ومت شجیعانه خلق ویتنام نشانداد که پیروزی دریک جنگ ظالمانه ـ جنگ در برابر اراده ملتیکه عزم کرده آزاد زیست کند وسر نوشت خود را برحسب اراده خود تعیین نماید ـ امکان پذیر نیست .

جنگ ویتنام ... ظالمانه ترین جنگ در تاریخ بشریت است ، به افسانه برتری جاو یدان نظامی امپر یالیزم خاتمه داد وروشن ساخت که دیگر امپر یالیستان درموضعی نیستند که با جبر و تشدد ، ا را ده آزادیخواهی ملتی را در هم شکنند. امپر یالیستها سال ۱۹۶۸ را سا ل «پیروزی نهایی» وشکست کامل جبهه آزادی بخش ملی ویتنام جنو بی تثبیت کرده بودند. ولی بقول والترلیپمن مبصر امریکائی «آنچه شکست می خورد این نظریه است که ایالات متحده امریکا میتواند بواسطه قوت نظامی خویش نظام اشیا را در قاره آسیا تعیین نماید... سیاست جانسن ـ رسک روی این عقیده استوار است که ۲۰۰ ملیون امریکایی با تفوقی که از لحاظ تکنالوژی دارند ، میتوانند مردم آسیا را ، که دو برسه حصه بشریت را تشکیل میدهد ، هدایت ، رهبری نمایند » .

حملات قهر مانانه ویتکا نگها دراول سال نو ویتنامی بر ۴۳ شهر ، صدها قریه ، مراکز بزرگ نظامی ومیدا نهای هوایی ، اشغال قسمت قابل ملاحظه شهر سایگون پایتخت رژیم سیگو نی و تصرف قسمتی از سفارت امر یکا در آن شهر ، تصرف کامل شهر هویی پایتخت سابق ویتنام وغیره وهمچنان آغاز مجدد حملات ویتکا نگها برشهر ها و مراکز نظامی امریکا وکشا نیدن دامنه جنگ تا حوالی قصر ریاست جمهوری رژیم سیگون وجریان جنگ های شدید خیا بانی در کوچه وبازار سیگون ، بی پایه بودن این ادعارا ثابت می نماید ونشان میدهد که امپر یالیزم قادر نیست «نظام اشیا» را حتی دریک گوشه بسیار کوچک آسیا باحد اعظم قوت خود وصرف روزانه صد ملیون دالر تعیین نماید .

حملات ویتکا نگها دراوایل سال نو ویتنامی که خود جانسن آنرا «تعجب آور» وبمثابه «قیام عمومی» خوانده وهکذا موج دوم از حملات آنها که همین اکنون به شدت ادامه دارد ، شکست بزرگی برای امپر یالیزم وهواخواهان آن محسوب می گردد. حملات مذکور مبین این حقیقت اند که جبهه آزادی ملی مردم جنوبی ازحمایه و پشتیبا نی کامل مردم ویتنام برخور دار است ویگانه نیرو است که میتوانند و حقدارد ازمردم ویتنام جنوبی نمایندگی کند . وبدون شناسایی واعتراف باین حقیقت مسلم حل مساله ویتنام دشوار وحتی ناممکن است ، آنچه میتواند راه را برای حل معقول وآبرو مندانه جنگ ویتنام باز کند همانا قطع فوری ، کامل وبدون قید وشرط بمبارد مان بر جمهوری دموکرا تیک ویتنام وشنا سایی جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی بحیث نماینده واقعی مردم ویتنام جنوبی واحترام به مواد قرار داد ۱۹۵۴ ژنیو راجع به آینده ویتنام میباشد .

اکنون که چانسی برای خاتمه دادن باین جنگ وحشیانه امپریالیزم بدست آمده ، همه بشریت صلحجو وترقیخواه متوجه روشی است که امریکا در پیش خواهد گرفت . اگر امریکا بازهم نقشه خودرا پیش کند واز واقعیت چشم بپوشد وبخواهد آنچه راکه ازطریق جنگ بدست آورده نتوا نست ، اکنون از راه مذاکره بدست آورد ، اشتباه خواهد بود ومردم ویتنام هیچ چاره یی جز ادامه پیکار عادلانه خود نخواهند داشت وبطور یقین در آن پیروز نیز خواهند شد .

تظاهرات شاگردان لیسه ابن یمین

وشهریان شبر غان

طوریکه ا طلا ع گر فته ایم ، به تاریخ ۷ ثور ، متعلمین لیسهٔ ا بن یمین و لایت شبر غان علیهٔ اخراج غیر قانو نی یکی از شا گردان ازلیسهٔ مذکور ، به تظاهرات د ست زدند . طی چندین میتنگی که دربن تظاهرات بر گزار شد ، سخنرانی ها یی دراطراف خود سری های منسوبین معارف واعمال ضد قانونی وضد آزادیهای دمو کرا تیک مردم که از طرف مقامات مسئول ولایت به حمایت از منا فع طبقات حا کمهٔ مر تجع صو رت می گیرد ، ایراد وباشعار های گرم صد ها نفر از اشتراك کنند گان ومردمان رنجدیده استقبال گردید .

انگیزهٔ این تظا هرات ، اخراج غیرقانو نی و ظا لمانهٔ یکی از متعلمین صنف ۱۱ لیسهٔ ابن یمین بود که در برابر حرکات تو هین آمیز و ضد کرامت انسانی ومستبدا نه ئی ازخوددفاع کرده و به فیصلهٔ مد یریت معارف وامر مقام و لایت ، خلاف مادهٔ سی و چهار قانون اساسی از حق تحصیل محروم سا خته شده بود .

این تظا هرات سبب شد که متعلم مذ کور تارسیدن هدا یت از مر کز وزارت معا رف دو باره شا مل لیسه گردیده ، به تحصیل خود ادامه بدهد.

تظاهرات شاگردان

تخنیک عا لی ادا مه دارد

از نبو و نخی تخنیک عا لی اطلاع مید هند که شا گردان نبو ونخی مذ کور به روزشنبه ۱۴ ثور، غر ض تعقیب خوا ستها ی صنفی خو یش بار د یگر د ست به ا عتصا ب زدند. چون ا ز طرف مقامات مسؤول بمطالبات شان این بار نیز جواب قناعت بخشی داده نشد، بنابر ان تمام متعلمین آن نبو و نخی به شکل تظاهرات منظم ومسا لمت آ میز باشعار های «تحصیلات عالی می خوا هیم» و «زنده باد جوانان بادرك تخنیك» بطرف وزارت معارف حر کت کردند .

تظا هر کنند گان در وزارت معارف ، از وزیر آن وزارت خوا ستند که بخوا ستهای آنها جواب گوید. وزیر معارف باداد ن وعده های فراوانی (!) ازمظاهره چیان خوا ست تا دو باره به نبوونخی بر گر دند .

اعتصاب شاگردان هنوز ادامه دارد..

حقوق دهقانان بی دفاع

به نفع متنفذین محلی پامال می شود

از ولایت پروان اطلاع میدهند که کود کیمیاوی «استحقاق سال ۱۳۴۷» دهقا نان این ولایت در اثر مدا خله عده ئی از عنا صر صا حب نفو ذ، عوض اینکه مستقیما به دها قین مستحق ، بر اساس نرخ رسمی وزارت زراعت «فی بوری ۲۲۵ ـ افغانی» توزیع گردد ، به مشتی محتکر ین سودا گر به فرو ش میر سد وآنان بازار سیاهی از آن به وجود آورده ، هر بوری کود کیمیاوی را به قیمت ۲۸۰ ـ ۳۱۰ افغانی بالای دهقا نان ستمدیده وتهیدست بفروش میرسانند .

با اینحال آیامی توا ن اینهمه تبلیغات پر آب وتاب بلند گویان دولت را در مورد کمك به دهقانان بی ـ بضاعت کشور باور کرد ؟ در حالیکه بااین طرز العمل فقط می شود بادست برد ظالمانه به حقوق دهقا نان بی دفاع ، به اشتهای سیری ناپذیر یك عده از متنفذین محلی وملا کین بزرگ خدمت کرد .

از (ص اول)

مارش ظفر نمون کارگران..

بین المللی جشن پرشکوه کار گران جهان بود، به تظاهرات خیابانی تبدیل شد. این تظاهرات بحمایت و اشتراك روشنفکران وافشار دیگر اهالی شبرغان تحت شعارهای زیرین گسترش مزید کسب نمود: «پیروز باد طبقهٔ جوان کارگر افغانستان»، «نابود باد امپر یالیزم»، «مرده باد دشمنان خلق» و «پیروز باد کار گران تفحصات» .

خبرنگار می افزاید که: تظا هرات کارگران کاملا قانونی بوده و تحت نظم وانضباط محکم وآهنین کارگری قرار داشته است.

کار گران اظهار نموده اند: در آخرین باریکه ایشان خواستهای خود را به شخص رئیس تفحصات پترول تقدیم کرده اند، موصوف با ندا ز دکتا تورانه ئی چنین جواب گفته است: «ما بشما ضرورتی ندا ریم، هرجاکه خواسته باشید بروید!»

والی جوزجان درجریان تظا هرات اخیر برکار گران فشار آورده بود که گویا محرکین اعتصاب را بو ی معرفی کنند، کارگران فقط یك جواب داشتند وآن اینکه: «محرك حقیقی ما بدن آفتاب سوخته وشکمهای گرسنه ماست» همینکه کارگران دربرابر خواستهای قانونی خود ازهر جاجواب منفی گرفتند بیش از ۳۵۰ نفر بصورت اعتراض علیه استبداد وعدم اعتنای مقامات مسؤل بخواست های قانونی شان ازشبرغان جانب کابل ما رش کر د ند .

این مارش مسالمت آمیز از طریق بلخ آغاز شده وگفته میشود، حین مواصلت به ولایت بلخ یکعده از دریوران بسها ولاریهای کرایی در آن ولایت داوطلب شدند که مارش کنندگانرا توسط وسائط خود بصورت رایگان تاکابل حمل نمایند، و لی مداخلهٔ مامورین ومقامات دولتی ولایت بلخ مانع اقدام دریوران شد و سه تن از مالکان و دریوران بسهای کرایی تحت تهدید ژاندارم قرار گرفته وحتی یك نفر (بابه) نام دریور باشندهٔ پنجشیر را اداره پولیس بلخ خلاف روحیهٔ قانون اساسی توقیف کرده ویك اطلاع دیگر میرساند که حتی مورد شتم وضرب مقامات پولیس آنجانیز قرار گرفته است .

کار گران کشاف همچنان پیاده بمارش و پیشروی خود بطرف کابل ادامه دادند وعلی رغم موانع وتهدیدات گوناگون، درشرایط بسیار نا گوار بدون توشهٔ راه در سر دی و گر می طا قت فر سا راه می پیما یند .

یکی ازد ریوران تکسی ا ظهار داشت: بخا طر آنکه مبا دا بسها و لا ریهای کرایی باین کار گران کمك کنند، مقاما ت حکو متی و لایت بلخ با ستثناء مو تر های تیز رفتار بهیچ و سیلهٔ نقلیه اجازهٔ حر کت بسوی کابل نمی د هد . این درا یور افزود که انضباط ونظم آگاهانهٔ مارش کنندگان خیلی عالی وکم نظیر است.

وی مثال داد که یکی از کار گران بصورت ناآگاهانه در حوا لی خلم بر گی از درختان کنار جاده را از شاخه جدا نمود وبلا فا صله مو جب عتاب و غریو سا ئر کار گران قرار گرفت. مشاهده این نظم و متا نت کارگران، ا هالی خلم را عمیقاً تحت تا ثیر قرارداده بود، علی ر غم تصا میم ما مو ران د و لت که سعی میو ر زند مار ش کنند گان راازاهالی شهر ستانها وقراء سرراه دور سازند، اها لی ، دهقانان وسائر افشار محروم این مناطق باگرمجوشی وباشیوهٔ مملو از تحسین این کار ـ گران پیشرو را موردتحسین وحمایت قرارمیدهند.

کارگران که باقلت مواد غذایی، نبودن منازل شب باش وخستگی طولانی راه مواجه ا ستند، بصو رت رقتباری مبتلا به امراض وگر سنگی شده اند. کفشهای یک عده از ایشان درین راه پیمایی طولانی از بین رفته است ، آنهابا پاهای برهنه که آبله ها وجراحات بر آن نمایان است راه میپیمایند. عده دیگری از کارگران بنا برعلت بزرگی ویاخوردی سن یکی بعد دیگری نیروی خود را از دست داده و غش میکنند، ولی این بمعنای ترك دادن مارش نیست، آن دگران که نیرومندند رفقای ناتوان شدهٔ خودرا بدوش میکشند وبه سفر طولانی خویش مصممانه ادامه مید هند. ولی باحتمال قوی ادامهٔ این مارش بزرگ خطر مرگ یکعده از کارگران مریض وناتوان را ببار آورده ا ست .

این همان زحمتکشانند که برای نخستین بار در دشتهای سو زان در شرایط نهایت ناگوار وبا مزد ناچیز تصمیم گرفتند بر مه ها را در قلب ز مین فرو برند وطبیعت رابنفع نجات کشور خود مورد تهاجم قرار دهند. آنها وظائف شاق او طنپرستانه دنبال ودرین راه از هیچگونه قربانی ومساعی دریغ ننمودند، آنها بودند که سکوت دشتهارا شکستند وخواست زحمت وعلم انسان پیشرورا بر طبیعت سرسخت تحمیل کردند. نشاید آنهارا بمرگ وگرسنگی سپرد ونباید مطالبات حقه وقانونی ایشان را سرکوب کرد. دموکراسی و مبارزات معاصر نسل جوان درمعرض امتحان عظیمی قرار گرفته است.

آخرین ا طلاع دیروز میر سا ند که کار گران راهنوردومبارز درحوالی سرخ کوتل (نزدیك پل خمری) در حالیکه از طرف ژاندارم و پو لیس محا صره شده اند به پیش روی خود ادامه مید هند. اطلاع علا وه میکند که عدهٔ زیادی از شا گردان لیسهٔ پل خمری به غرض استقبال وپیوستن به ایشان جانب چشمهٔ شیر حر کت کرده اند .

پرچم: در حالیکه جداً از مطالبات مشروع کارگران تفحصات پترو ل ومبارزات دلیرانهٔ ایشان پشتیبا نی میکند، از تمام وطنپرستان، دموکراتان وترقیخواهان، خاصتاً از کارگرا ن ومبارزانیکه در برابر کا رگرا ن وظائف تاریخی بدوش دارند ا نتظار دارد تاازهیچ گونه همدردی وحمایت درمورد این مارش کنندگان دلیر دریغ نورزند .

پیروز باد مارش عظیم وقهرمانانه کارگران پیشرو تفحصات وزنده باد تاریخ نوین رهائی بخش وپر افتخار جنبش کارگران وتصمیم خلل ناپذیر ایشان در راه اعمار وطن پر افتخار ما افغانستان ! ...

اخراج کارگران فابریکه

بتون وحجاری هو ختیف

درشمارهٔ گذ شته پرچم ضمن گزارش تظاهرات روز اول ماه می در کابل اطلاع داده بودیم که هنگام ورود تظاهر کنند گان در فابریکه بتو ن وحجاری که فعلا به گرو انحصارات امپر یالیستی هوختیف میباشد ، کار فرمایان استثمار گر آلمانی کارگری رابه اسم عبداللطیف بجرم یك درخواست قانونی اش زیر مشت ولگد گرفته بود که دراثر احتجاج تظاهر کنند گان یکی از کار فرما یان فابریکه مجبور گردید بر روی سند تحر یری از ین عمل خود معذ رت بخواهد ، ووعده داد که اوراازفابریکه برون نخواهد کرد ، اما علی ر غم پوزش وتعهد ، فردای آنروز نه تنها آن کار گر را، بلکه یکتعداد دیگر از کار گران را نیز بجرم استقبال از مظاهره چیان وا شتراك در تظاهرات روز اول می از کار برکنار کرده اند.

قراراطلاع بعدی باجرأت تمام وبا اطمینان خاطر بمقامات مربوطه حکومتی نگاشته اند برای اینکه دستگاه از نگاه پالیسی به امن وامان نگهدا شته شود لازم دیده شد که یکتعداد کار ـ گران از کار برکنار گردند .

پرچم: این دلیل دیگری مبنی برخود سری واعمال کیف ما یشای استثمار گران بخصو ص استثمار ـ گران خارجی در کشور ما وپیوند آنها با مقامات حکومتی میباشد .

(در ص ۳)

بیانیهٔ وکیل ....

در برا بر «بیتا لما ل» یعنی از بودجه دولت سوء استفاده های کلانی کرده اند، موردتحقیق ومحاکمه ملی قرار گیرند و به جزا های سنگین برسند، بغیر ازاین هر اقدام دیگر و لسی جرگه نتیجه عملی نخواهد داشت جز امر افشا گر ی فساد اداره و حکو متهای افغانستان که البته این امر نیز مفید است.

سوال اخیر علاج اسا سی ونجات بخش عبارت از چیست ؟

بعقیدهٔ ما علاج اسا سی عبارت از بوجود آمدن تغییرا ت کیفی وبنیادی در حیات اقتصادی، اجتماعی وسیاسی کشور میباشد که صر ف از طر یق ایجاد یك حکو مت دمو کراتیك وملی در این مر حله تاریخی است که از اکثریت عظیم ملت یعنی خلق افغا نستان اعم ا ز کار گران، دهقا نان، پیشه و را ن و نیرو های وطن پرست ودموکراتیك ودیگر طبقات تحت ستم شهر ها ودهات ولایات کشور در یك جبهه متحد تا سیس گردد. در غیر آ ن از وضع مو جود امید (رهائی داشتن) به جانب سراب رفتن است !

راشئ سندری وبولو

لهٔ لری نه دمارش آواز رارسیږي، دموزیك دترانې موجو نه لکه سمندري خپې چه دغرونو پرلمنو ور دانګي دساده ننداره چیانو له سرو سینو سره سر وهي .

پدې ترانې کې دځینو وګړو او ځینو حوادثو ستا ینه کیږي او ساد ګان لکه درمې ګډي سر ورته خو ځوي . زما زړه هغه بې حرکته او سوړ غږدي چه ګلونه کلونه ددې احمقانه ستا ینو پرله پسې بهیر ته ولاړدی او هیڅکله له خپله ځایه ندی بې ځایه شوی .

پدې ترانې کې دبز ګرانو ربړونه، دشپنو هلې ځلې او دمز دورانو له ویاړه ډك ژوند نه ستایل کیږي .

زما دبیځو بیو او ستو مانیو ، زما دلاس دتناکو او پیاوړو ملو په باب دا ترانې اومار شونه هیڅ مضمون نلري .

ما تراوسه پورې په هیڅ ملی سرود کې دخپل ولس آواز ندی او رید لی داما رشونه دغلو ، داړه مارانو اوتیار خورو دغرور دتندې دماتولو لپاره تیار شویدي ، دا انسان ته دآزادۍ لارنه ور نبیي بلکه غلا مۍ او بندګۍ ته یې را بولي . داپه خلکو کې دحریت او آزادۍ روح وژني .

داد جګو سرونو ټیټول او دپو لادي ملاوو ماتول غواړي . داد زور ورو داستبداد افسون اود حاکما نو دخود خواهۍ جنون دی ـ څکه مانه دا مارشونه که څه هم زما په هیواد کې ترکیب شویدي پردي ښکاري ، نه یې اورم اود هغه له مغرورو ترانو څخه کرکه لرم .

* * *

آخر زما وطن چیرې دی؟ څماکار څوك ستا یي ، اوزما دزیار لپاره څوك ترانې لیکي .

هغه مارش چیرې دی چه ماله خپل ولس او ستر هیواد سره ونښلوي ؟ زما مارش لاندې لیکل شوی اوزه لا دخپل هیواد حتی دخپلې پولې ا ز خپل کور خاوند نه یم .

راشئ چه خپل مار شونه ولیکو! راشئ چه خپل زیار ونه وستایو ، راشئ چه داسې سرود ونه اوترانې ولیکو چه په هغوی کې دخپل ځلاند مستقبل لوري ته لار ووینو .

راشئ چه خپلې ترانې وبولو او دهغوی په بللو کې هغه ټول خلك را شریك کړو چه دآزادو ترانو له بللو څخه محروم شویدي او اوس دخپل نور ژوند په اوږده شپه کې دسپیدو درا ختو انتظار لري ...

راځئ هغه سرو دونه هست کړو چه موږ له خپل لوی هیواد ، له خپلو خلکو او ټول محروم بشریت سره یو ځای کوي .

راځئ دسولې، برابرۍ، او ورورۍ سندرې وبولو او دخلکو ددښمنانو نه بخلا کیدونکو زړونو ته دخپلو خلکو دبرم اوبرې زلزله وردننه کړو! راشئ سندرې وبولو !

(سلیمان لایق)

پرچم

هره دوشنبه خپریږي

دتاسیس کال : د ۱۳۴۶ (کب) .

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان (لائق)

آدرس : غوثی مارکیټ محمد جانخان واټ کابل، افغانستان

اشتراك

په مرکز کې دکال ۱۰۰ ـ افغانی

په ولایاتو او پښتو نستان کې دکال ۱۱۰ ـ افغانی

له هیوادنه دباندې دکال ۱۰ ـ دالره

یوه ګڼه ۲ ـ افغانی

دولتی مطبعه

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (دهم) دوشنبه ۲۳ ثور ۱۳۴۷ هـ ـ ۱۳ می ۱۹۶۸ ع

ا. عمر فیض ـ کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

س. کشتمند

هزار ملیون افغانی سوء استفاده

از دارائی عامه

سکتور دولتی اقتصاد وبخش عمدهٔ آن تجارت ملی که در کشور های کم رشد بخصوص درکشورهائیکه هنوز مناسبات سر مایه داری در آنها قوام نگر فته است میتواند وسیله نیر ومندی ، از یکسو جهت مبارزه با انحصا رات امپر یا لیستی و دلالان ووا بستگان داخلی آنها واز سوی دیگر مو جب رشد سریع اقتصاد ملی و پیشروی در راه استقلال کامل ملی گر دد، به همین جهت نیرو های ار تجاعی و طبقات حاکم و نما یند گان آ نها درین کشور ها بنابر درك خصلت ضد امپر یا لیستی سکتور دو لتی، میکو شند که به هر وسیلهٔ ممکنه سکتور دولتی اقتصاد را در برا بر سکتور خصوصی با زرنگی ومهارت تام، چه از طر یق مبلغین تیپ بورژوائی و چه از طریق نما یندگان مفهوم شدهٔ خود، بی اعتبار جلو ه دهند و بو سیله آنها اعلام دارند که سکتور دولتی برای ر شد سر یع اقتصاد ، نمی تواند نمونه باشد . بنابه ادعای مر تجعین وعمال وموئیدین استعمار نوین در عمل سکتور دولتی اقتصاد بیشتر مظهر اسراف وتبذیر وبی ثمری اقتصادی شمرده میشود.

در کشور مانیز که طبقات ومحافل حاکمه ارتجاعی باارژدهای امپر یالیسم آمیزش منافع دا رند، تلا شهای فرا وانی بخرج مید هند تا از ر شد و تقو یه سکتور دولتی اقتصا د جلوگیری نمایند واز آنچه هم موجود است ویا جبراً ایجاد میگردد، به نفع خود وار با بان امپر یا لیست خویش استفاده کنند . بمنظور اینکه برای ... از دارائیهای عامه دست آزاد داشته باشند ، محافل حاکمه ارتجاعی کشور میکو شند با استفاده ازقدرت دولتی کسانی را بر رأس مؤسسات اقتصاد مربوط به دو لت ، از میا ن قشر های مر تجع وبالخصوص طبقات بالائی جامعه، بگما رند تا هر چه بیشتر با اختلاس ورشوه ستانی کیسه های خودوحامیان خودراپر کنند و زمینه را جهت استفا دهٔ سوء از مؤسسات دو لتی برای خا ئنین به منافع خلق مهیا سازند.

بنابر نفوذ نیرو های ار تجا عی از طریق بیرو کراتهای فا سد ومتنفذین، کو شش میشود تا را ه برای بسط و تو سعه تشبثات خصوصـی و دلالان وا بسته بـه امپر یا لیسم باز گردد، چه اینها پیوسته درفکر جستجوی و سا یلی استند تا بحسا ب عامه سود بیشتری بدست آورند.

مثال چنیـن استفا ده های سوء از دارائی عا مه بـسو د سرما یه ـ کمپرا دوری، معامله خائنانه ایست که بین ممتاز ترانسپورت وانحصا رات دولتی بعمل آمده وقرار اطلاع ا ین مـوضوع در جلسه روز سه شنبه هفدهم ماه جاری ولسی جرگه، در اثر پیشنهاد انجمن مالی و بود جه مورد بحث قرار گرفت. انجمن در ضمن مطالب دیگری راجع به سؤ استفاده ها در انحصا رات دولتی گزا رش داده است که دراثر بازرسی افشا گردیده که انحصا رات دولتی ۲۳۴ عرا ده موتر انتر نیشنل امر یکا یی را از قرار فی عراده دو صد هـز ا ر افغانی به ممتاز ترانسپورت بفرو ش رسانیده واین شرکت ترا نسپورتی به وساطت وموافقه انحصارات دولتی هریك آنرا به قیمت هشتصد هزار افغانی یعنی چهار مرتبه بالاتر ا ز

(ص ۲)

په پښتونستان کښې دخلکو دملی ګوند اعلامیه

لاندینې اعلامیه په پښتو نستا ن کې دقصه خوانی دبازار دشهیدا نو دیادونې په مراسمو کې چه د هغه خبرمو دمخه خپور کړیدی، د خلکو دملی ګوند له خوا خپره شویده .

یو یونټ په غیرجمهوری طریقه جوړ کړی شوی دی ـ اوددې دجوړیدو نتیجه کښې دوړوصوبو دخلقو سیاسی، اقتصادی ، او ثقافتی حقوق پامال شوی دی ـ او پامال کیږي ـ دتیرو دوولسو کالو تجر بې دا ثابته کړه ـ چه دیونټ دجوړ ولو وخت کښې که چادي په حقله څه غلطی دعوای کړې وی یادچا څه بې ځایه توقعات وو ـ هغه ټول غلط وو ـ نو خو بریکړ ی چه یو خوادا انتظامی اخراجات کم نشول بلکه ډیر زیات شول ، بل خوا نظم وضبط نه شو بلکه تباه شو اوخبره تردی رارسیدلې ده ـ چه یونټ چلیدی نشی خو جوړ ونکویې ددی مسئلی نه چه دوړو صوبو دمرګ او ژوند مسئله ده ـ اودملك دمستقبل لار کښې یوخنډدی ـ دوقار مسئله جوړه کړیده ـ او په ضد ټینګ دی ـ ۱۹۵۸ ع کښې دیونټ دجو ړیدو نه څه اووه کاله پس دیونټ یعنی مغربی پاکستان اسمبلی متفقه لور فیصله کړې ده ـ چه یو یونټ دمات شي ـ څکه چه هغه وخت د یو نټ مسئله اسمبلی کښې پیش شوه ـ نو لس دپاسه دری سوه کسانو صر ف خلور کسا نو دیونټ ملګری وو ـ ددی دامعنی شوه چه د مغربی پاکستان داسمبلی دفیصلی مطابق یو یونټ په ۱۹۵۸ ع کښې مات شوی دی اوس که دا پاتی دی ـ نو دانصاف او جمهوریت له رویه هیڅ جو ا ز نه لر ی څکه دسر حد نیشنل عوا می پا ر ټی دا لو یه جلسه مطالبه کوی ـ چه داپه غیر جمهوری طریقه جوړ شوی ـ او بیا په جمهوری طریقه مغربی پاکستان اسمبلی مات کړی یونټ چه عملا ناکام شوی هم دی او چه خومره پاتی کیږی ورځ تر ورځ بی اعتمادی ، نفرت او تا وان هم زیاتوی دزر تر زر ختم شی اوددی په ځای دجغرافیی ، ژبی او ثقافت په بنیاد دلته بیا دسره نوی صوبی جوړی کړی شی .

ببرك کارمل

طبقات ومبارزه طبقاتی

-۲-

مبارزهٔ طبقاتی نیروی محرکهٔ تکامل جامعه ایست که درآن استثمار وجود دارد

علی رغم اینکه ایدئولوگهای مرتجع فئودالی وبورژوازی ازبیم مقاومت خلق کارگر در برابر استثمار، مذبوحانه میکوشند که مبارزه طبقاتی را مانع ترقی ورشد اجتماعی نشان د هندو یااساساً وجود طبقات متضاد ومبارزه طبقاتی رانفی کنند ولی علم وعمل ثابت میکند که مبارزه طبقاتی بمثابه نیروی محرکه وسر چشمه تکا مل جامعه ای است که درآن طبقات متخاصم واستثمار وجود دارد .

مبارزه طبقاتی در زمینه رشد و تکامل جامعه چه در شرایط «مسالمت آمیز» وتغییرات کمی وچه بخصوص در شرایط جنبش های انقلا بی و تغییرات سریع کیفی وبنیادی اهمیت مترقی وخلاقی دارد. بطور مثال در شرایط سرمایه داری، سرمایه داران بدون مبارزه کارگران کمتر بفکر تکامل تکنیک می افتند. سرمایه داران ترجیح میدهند که از طریق «ساده» و«ارزان» مانند افزایش ساعات وروز کار وتقلیل دستمزد، کارگرانرا استثمار کنند وسطح تولید را بالا ببرند. ولی مبارزه پیگیر طبقه کارگر است که در پهلوی رقابت میان سرمایه داران صا حبان سرمایه را مجبور میکند تابغرض افزایش سود ومفاد خویش ماشین های جدیدی را احداث کنند، عملیه های فنی راتکامل دهند واختراعات رابه پذیرند وبه تکنیك جدید توسل جو یند .

«... تقریبا تمام اختراعات جدید نتیجه مبارزه میان کارگران وصاحبان کارخانه است... بعداز هر اعتصاب نسبتاً مهم یك ماشین جدید ظهو ر کرده است .»

نقش مبارزه طبقاتی در زند گی سیاسی :

مبارزه طبقات ستمکش درزندگی سیاسی نقش عظیم مترقی را ایفا مینماید ، چنانچه در دوران معا صر مبارزه طبقه کارگر به اتحاد دهقانان چه در کشور های کم رشد ونو بنیاد آسیائی وافر یقائی وامریکای لاتین وچه در کشور های سر مایه داری رشد یافته، مانع جدی وبزرگی در راه جلوگیری از ا عمال شو م امپریالیستهای جنگ طلب است که میکوشند آتش جنگ خانما نسو ز جدیدی را شعله ور سازند، جنبشهای انقلابی رهائی بخش ملی را سرکوب نمایند، آزادیهای دموکراتیک رامحو سازند، مقامات انتخابی مردم رامحدود گردانند، فرهنگ مترقی ودموکراتیك راازمیان بردا رند وسیر انجام راه رشد وتکامل مترقی جامعه رامسدود کنند .

تنها مبارزه قاطع طبقاتی توده های زحمتکش در تحت رهبری طبقه کارگر قادر است اینهمه تما یلات ضد مردمی را جلوگیرد. در شرایط معاصر ، جهان چنین ... میتواند نتایج درخشانی را در راه دفاع ازصلح، دموکراسی وحاکمیت ملی بار آورد وجلو ظهور فاشیسم، ارتجاع وجنگ را مسدود سازد .

دراثر مبارزه پیگیر وسر سخت ومتشکل تو ده های ستمکش علیه ستمگران است که ترقی اجتماعی روی میدهد وقاعدتاً تکامل مترقی جامعه در تمام عرصه های اجتماعی سریعتر میشود .

عالیترین شکل مبارزه طبقا تی یعنی تغییرات سریع کیفی وبنیادی اجتماعی (انقلاب اجتماعی) در ترقی اجتماعی نقش خلاق وعظیمی را ایفا میکند . در نتیجه این شکل مبارزه است که نظم اجتماعی کهنه ازبین میرود ونظم اجتماعی نوین ومترقی تر جانشین آن میگردد .

هرگاه نظری در سیر تاریخ جوامع بشری انداخته شود بخوبی آشکار میشود که سراسر تاریخ پر ازمبارزه استثمار شوندگان علیه استثمار ـ گرا ن است . مبا رزه جسو رانه بردگان بابرده داران درجامعه بردگی نظیر قیام اسپار تاکوس (قرن اول قبل ازمیلاد)، مبارزه وقیام دهقانان علیه فئودالها ازقبیل قیام تایلور در انگلستان (قرن چهاردهم) قیام ژاکری درفرانسه (قرن شانزدهم)، قیام بالو تنیکوف ورازین (قرن هفدهم) وپوگاچف (قرن هجدهم) در روسیه، قیام تای پین درچین (قرن نزدهم) و هزاران قیام وجنگهای خورد وبزرگ که ماهیت طبقاتی داشته اند، تماما مظهر مبارزه طبقاتی ستمگران و

(ص ۲)

بیانیهٔ وکیل ببرك کارمل

درولسی جرگه در بارهٔ راپور «هیأت تحقیق ولسی جرگه د ر مو ضوع نغلو»

فی المجلس راجع به راپور «هیأت تحقیق ولسی جرگه در مو ضوع نغلو» به صورت ارتجالی اظهار نظرمیکردد : از را پور هیأت و بیا نیه ها ی وکلای محترم معلوم میگردد که مجلس به اصل ساختمان دستگاه برق آبی نغلو که انرژی برق آن در پایتخت افغانستان و تمام موسسات صنعتی ونقاط مسکونی مجاور آن بمصر ف میرسد و به شر مایه گذاری دو لت وکمك مسا عد کشور صلحدو ست همجوار افغانستان اتحاد شو رو ی به پایه تکمیل رسیده است موافقت دارند واین مسأله قابل بحث نیست. زیرابه اعضای محترم مجلس معلو م است که انرژی برق ما در رشد اقتصاد ملی بخصوص صنایع ملی میباشد.

باید خاطر نشان گردد که دستگاه برق آبی نغلو در تو لید نها یی تا ۴۴۰ ملیون کیلوات ساعت برق یعنی دو چند مجموع تولید برق سال ۱۳۴۵ که ۲۲۲ ملیون کیلوات ساعت بود برای افغانستان برق تو لید میکند.

مزیت سا ختمان مستحکم دستگاه برق ابی نغلو از لحاظ رشد اقتصادی تنها در این نیست که هسته برقی ساختن کشور را تشکیل مید هد بلکه بیشتر از این ناحیه است که قطعا خصو صیت استثمار استعماری ندارد و کشور ما را به انحصا را ت امپر یا لیستی مر بوط نمیسا زد ودر کمترین مدت میتواند در اثر تقو یه صنایع (وعواید ناشی از آن) قرضه مساعد و ربح کم خویش را دوبار اعاده کند.

سوال موضوع بحث اینست که آیا قیمت تمام شد سا ختمان این دستگاه برق آبی نغلو بمقا یسه دیگر پروژه های انرژی برق مثل ماهی پر ... وغیره در افغا نستان و حتی در کشور های دیگر بالاتر است ویا پائین تر ؟ جواب باین سوا ل را حقایق وارقا میکه در وزارت صنا یع وپلان مو جود است میدهد. ماامیدواربودیم که درابن زمینه هیأت محترم تحقیق نغلو در گزارش خویش تو ضیح میکردند تاذهنیت رو شنتری به مجلس میدادند.

تاجائیکه مادراین زمینه مطا لعه کرده ایم قیمت تمام شد دستگاه برق آبی نغلو به مقیاس سا ختمانهای د یگر برق آبی، چه در داخل کشور و چه درخارج، مساعد ترین قیمت تمام شد در جهان میباشد. با تـذکر ا ین مقدمه سوال عمده ومهم درابنجاست که آیاباز هم قیمت تمام شد این پروژه عظیم ازاین هم کمتر شده میتوانست ؟ در اینجاست که ما از اعماق قلب باتحلیلات هیأت تحقیق نغلو کا ملا همعقیده استیم! بجر أ ت گـفته میتوانیم که هر گاه مؤ سسهٔ صنعتی دولتی یعنی اداره کنند گان دا خلی پروژه نغلو، دررأس آن وزارت معد ن وصنایع وبالاتر از آن حکومت های

(ص ۳)

مارش ظفر نمون کارگران

پیش آهنگ تفحصات پترول شبرغان

مبارزه در راه رهائی انسان ا ز چنگال کلیه اشکال ستم واستثمار ، رسالت عظیم وتاریخی طبقه کار گراست ، که درمسیر مبارزات سرسخت طبقاتی، نه تنها خود بلکه همه زحمتکشان رابه نجات وپیروزی می رساند. و دنیای نوین را که در آن همه چیز به خاطر سعادت وخوشبختی انسا ن است ، بنا می کند .

موج این مبارزه نجا ت بخش سراسر کرانه های دنیا را فـرا گرفته است .

در وطن ستمزده ما هم ا مـوا ج درخشان این جنبش پیش آهنگ طبقات ستمکشیده واستثمار شده درحال بر خاستن است .

مارش قهرمانانه وظفر آ فـر ین کارگران تفحصات پترول عا لیترین نمودار مبارزه طبقاتی زحمتکشا ن کشور ما، فروغ تابناك پایمردیهای الهام بخش ، در فـر دای ر و شـن وآزاد افغانستان پر افتخار ، خوا هد درخشید .

درسلسلهٔ تظاهرات واعتصابهای اخیر درنهضت کار گری جوان افغانستان، مارش کارگران تفحصات بطرول شبرغان، بحیث عظیم ترین جنبش کارگری، نیرو مند تر ین حلقهٔ مقاومت را در برابر استبداد بیرو کراسی افغانستان واستثما رتشکیل میدهد .

اکنون که ما این گزارش راتقدیم میکنیم، گروه اشتراك کنند گان این مارش از دشتهای وسیع شبر غان وارد مناطق کوهستانی شده وبقصد کابل، باستقامت معبرسالنگ بمارش خود ادامه میدهند .

خبریال پرچم ازشبر غان اطلاع میدهد که بروز ۸ ثور اعتصابی بابتکار کارگران برمه کاری تفحصات بطرول آغاز گردید . یکی ازین کارگران بنامه نگار ما گفت: ما مطالبات فوق العاده، غیر عملی وخلاف قانون نداریم. وی افزود: ما بار ها ازشرائط مشکل کار وضیاع حقوق خود برئیس وکار فرمایان ومقامات باصلاحیت وزارت معادن و صنائع عرایضی دادیم وباتذکرات وپیشنهاد ـ های پیهم آنرا تکرار کردیم ، ا ما هیچگونه اعتنایی در مورد بعمـل نیاوردند .

خبر نگار ما راپور میدهـد کـه عمده ترین خواستهای این کارگران افزایش معاش، تهیهٔ محل منا سب رهایش، مطالبه یك وقت نان درشبا ـ روز، تدوین وتطبیق لایحهٔ ترفیع و تقاعد واتحادیهٔ کارگری میباشد .

خبر نگار میگوید: این اعتصا ب سه روز متواتر در حوالی محل کـار کارگران در شبرغان دوام نمودوبروز ۱۱ ثور که مصادف بروز اول می، روز

(بقیه ص ۴)

په کندهار کې دزلې اوریدل

اودبزګرانو او باغوانانو کور ورانی

دیوی اطلاع په اساس په دی ورو ستیو و ختو کی په کند هار کی سخته ږلۍ او ر یدلې ده چه دکرهنې حاصلاتو او میوو ته ډیر زیان رسولی دی. دغه خبر ز مور پام په ۱۳۴۵ کال کی یوی همد غسی پیښی ته واړوی. پد غه کال کی هم په کند هار کی سخته ږلۍ اوریدلې وه چه دهغی په اثر دکر هنی د حاصلاتو او میوو زیانه برخه له مینځه لاړ ه او دکند هار بی وزلو بز گر انو ته ډیر تاوان ورسید. ددې په ځا ی چه له هغو سره مرسته وشي دمیوندوال حکومت له فئودال ملا کینو سره په داسې ډول مر سته و کړه چه یو ه اندازه غله ئې داملاکو دثبت ددفا ترو له مخې د مالیې په اساس په ډیره ار زانه بیه لویو ملاکانو او باغوالو باندی و پلور له. خر نګه چه دبزګرانو زیاته برخه ځمکې نلری نوطبیعي خبره ده چه داملاکو دثبت په دفتر کې دهغوی نو مونه ثبت نـه وو، نو نه یواځې له هغو سره مر سته و نـه شوه بلکه مجبور شول هما غه غله چه د عامو خلکو له حساب څخه په ډیره ار زانه بیه لویو ملا کانـو ا و باغوا لو ته و ر کـړ ل شـوی وه له ملا ما تو نکی سود سره په ډیره لوړه بیه واخلي. په دغه دول سره حکومت دخپل طبقاتی ما هیت په اساس دزلی له اوریدلو څخه دوارد شویو تا وانو په مقابل کی دفیو دال ملا کینو او لویو با غوالو حما یـه و کړله او ملا کینو هم له هغی څخه پوره ګټه وا خیستله اودبی وزلو زیار استو نکو بز ګرانو د لوټلو دپاره ئی یوه بله وسله پیدا کړله.

اوس چه بیا ږلی او ریدلی ا وحاصلا تو ته ئی صدمه رسو لی ده دکند هار خلك ډیره اند یښنه لري چه بیا به هم حکومت د ۱۳۴۵ کا ل دږلی وهلو په شان مرسته (!) وکړی.

ا. عمر فیض ــ کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

داکتر اناهیتا

افغانستان کانون امراض گوناگون

«حفظ وبهبود دایمی صحت وسلامت تمام خلقها بصورت مجانی بعهدهٔ دولت می باشد. برای این منظور دولت مؤظف است که پروگرامهای عملی ووسیع صحی در زمینهٔ وقایهٔ مردم از امراض وتقلیل قطعی ناجوریها وریشه کن ساختن امراض مکروبی وساری طرح واجراکند. بر آوردن احتیاجات تمام اهالی شهرها ودهات وکوچیان وقبایل کشور از نظر خدمات صحی از طریق تربیت کارکنان طبی به تعداد کافی و تهیهٔ وسایل عصری به اندازهٔ لازم وتوسعهٔ موسسات مجانی، عمومی، ایجاد موسسات صحی از قبیل پولیکلینیکها، شفاخانه ها، سناتوریمها و آسایشگاهها وتبلیغات صحی در اطراف واکناف مملکت ضرور است.»

(مرام دموکراتیک خلق ــ سوم امور اجتماعی)

وضع صحی خلق افغانستان رقت‌انگیز است. کشور ما کانون بیماری‌های گوناگون ومرگ زاست. وجود ملیونها انسان رنجور وبیمار، انواع امراض کشنده، مرگ ومیر فراوان وپائین بودن حد اوسط عمر وتلفات بی حدوحصر کودکان، همه مظاهر روشن وواضح فقدان صحت وعدم توجه به حفظ سلامتی مردم در کشور بشمار میرود.

خرابی تغذی ومسکن، آبهای کثیف وقلت داکتر ودوا از عوامل عمدهٔ محرومیت مردم از نعمت صحت است. در کشور ما، درین کانون امراض گوناگون، بیش از ۸۷ فیصد مردم دراطراف ودهات زندگی جهنمی دارند واز مزایای صحت وسلامت جسمی بی بهره اند.

انسانهای کشور از ریشهٔ، برگ وپوست نباتات تغذیه می کنند. مسلم است که برخی از امراض کشنده که تا حال علت آن شناخته نشده وهمچنان قسمتی از امراض عضوی همه معلول شرایط فاسد اجتماعی از قبیل بیکاری، عدم توافق با محیط، ماندگی، فقدان مصؤنیت اقتصادی وقلت مواد غذایی است.

مردم بعنوان منزل به مغاره ها، کودالهای تاریک ونمناک ومحلات غیر صحی زندگی می کنند، که حتی برای حیوانات هم نامساعد ومرگ آور است. این دخمه های مرگ نه از نور آفتاب بهره یی دارند نه هوای آن را هیست، فقط محلی مناسبی برای نشوونموی مکروبها مخصوصاً سل است. در زمستانها مردم درین مغاره ها با حیوانات خود یکجا می خوابند و چه قضایای دلخراش واندوه ناکی که اتفاق نمی افتد.

حتی حیوانات وحشی، خزندگان وپرندگان در کوهها ودره ها، جنگلها وبیشه ها جائی ومسکنی برای راحت شبانه وخانه وسرپناهی برای زندگی خویش دارند، ولی درکشور ما ملیونها انسان فاقد وسایل زندگی ومسکن صحی اند.

ذخیرهٔ آب نوشیدنی مردم را عموماً بشیوهٔ قرون وسطائی مردابهائی تشکیل میدهد که از آب باران در خندقهای میان روستاها گرد آمده است، درد انگیز تر اینکه حیوانات محله نیز در همین جا دهن میگذارند و آب می نوشند!..

در کشور ما انواع واقسام بیماریها از قبیل سل، سفلیس، امراض شش امراض قلبی، محرقه، پیچشهای کشنده، روماتیزم، بیماریهای جلدی، تراخم (کوکره)، جذام وغیره وسیعاً شیوع دارد و صدها هزار هموطن ما باین امراض هلاکت بار مصاب اند.

دردهات کشور بصورت قطع نه داکتری وجود دارد، نه شفاخانه ودوائی. یگانه چاره ئی که در روستاها موجوداست، توسل به فالبین بجای داکتر و جادو بعوض دواست.

وقتی کسی مریض شد، بلافاصله معالجات خود سرانه ونذر بندیها شروع می شود. هر گاه این چاره جوئی‌ها(!) بجائی نرسید وبدرمان دردی نیانجامید، دهقانان وروستائیان بینوا به سود خواران ده روی می آورند، قرض می کنند ومریض شانرا بر الاغی بار می نمایند وفرسنگها راه می پیمایند، کوهها ودره‌ها را پشت سر میگذارند تا به داکتری میرسند و کمتر اتفاق می‌افتد که چنین مریضی زنده به داکتر برسد. چه بسا دیده شده که بیمار بیچاره را از کثرت ضعف بامجوسه‌ئی برپشت مرکب می‌بندند وبراه می افتند. بدین وضع اکثر مریضان یا زنده به داکتر نمیرسند ویااگر میرسند دیگر کار از کار گذشته می باشد.

رقت آور است! وقتی در دهات کسی به مرضی مبتلا شد دیگر اورا مرده می پندارند واگر تصادفاً صحت یافت وزنده ماند این خود درشمار معجزات است.

دردهات کشور بنام حمام چیزی وجود ندارد واین میرساند که اوضاع صحی در اینگونه مناطق چگونه می تواند باشد.

وضع بیت الخلا ها چه در شهر وچه در دهات، غیر قابل تذکراست، هرگاه باین امر توجه جدی نگردد، در چند سال دیگر حتی کابل به یک بیت الخلای بزرگ تبدیل خواهد شد. خطراتیکه ازین ناحیه متوجه مردم می باشد وحشتناک است درحالیکه بااندک توجه جزئی می توان از یک تعداد امراض انسانی وخیم جلوگیری نمود.

ملیونها کوچی کشور زندگی حسرت انگیز وفلاکت بار دارند، برای اعادهٔ صحت مریض تفالهٔ تازه گاو را مورد استعمال قرار میدهند، در چشم دردی علاوه بر انواع واقسام رنگهای زهر آگین از ادرار انسان نیز استفاده می کنند. این عمل درشهرها ودهات عمومیت دارد که نتیجهٔ وخامت بار آنرا همه میدانند!

(ص۳)

(ازص اول)

طبقات ومبارزه...

ستمکشان در عرصه های محلی، ملی وبین‌المللی درسرتاسر تاریخ بشمار میرود. مبارزات وقیامهای بردگان نقش مترقی در تکامل جامعه داشته اند. بردگان بناهای جامعهٔ برده‌داری را متزلزل ساختند و دهقانان بمثابهٔ یکی از نیرو های عمده نابودی فئودالیزم موجب‌گذار جامعهٔ فئودالی به نظام مترقی تر (سرمایه‌داری) گردید. معهذلک خاطر نشان میگردد که توده های مردم در جوامع بردگی وفئودالی قرون گذشته نمیتوانستند به ظلم وستمگری و استثمار برای همیشه خاتمه دهند. زیرابرای چنین هدفی هنوز شرایط لازم اجتماعی مساعد نبود. سطح تولید وشیوه های تولید امکان آنرا نمیداد تاچنان نظام اجتماعی آزاد ایجاد گردد که استثمار انسان از انسان از ریشه محو گردد. مبارزان دوران بردگی وفئودالی آگاهی کامل از هدف مبارزه وطرق نیل به آنرا عمیقاً درک نمیتوانستند، آنها با تئوری پیشرو ومترقی بمثابه رهنمای عمل مبارزه مجهز نبودند.

سازمان سیاسی (حزب) که سلاح قاطع مبارزه زحمتکشان بشمارمیرود اصلاً وجودنداشت. طبقه پیشاهنگ نوین یعنی طبقه کارگر هنوز ایجاد نشده بود.

شرایط مساعد فوق فقط دردوران سرمایه‌داری وآخرین نظام استثمار گر وبالاترین مرحله آن یعنی امپریالیزم، (چه درکشور های کم‌رشد آسیائی، افریقائی وامریکای لاتین وچه‌در کشور های سرمایه داری پیشرفته) وبخصوص در عصرنوین وکنونی که محتوی اساسی آنرا جریان انتقال ازسرمایه داری به سوسیالیسم تشکیل میدهد ویک سوم بشریت تحت‌پرچم جهان بینی علمی به اعمار زندگی نوین مشغول است وامپریالیزم روبه ضعف و اضمحلال میرود، نهضت بین‌المللی کارگری بسط وتوسعه‌میبابد و«موج نیرومند انقلابهای رهائی بخش ملی طومار سیستم استعماری امپریالیسم رادرهم می‌پیچد» بوجود آمد.

مبارزه طبقاتی درجامعه سرمایه‌داری:

طبقات اساسی جامعه سرمایه‌داری بطوریکه درشماره گذشته توضیح شد عبارت از بورژوازی وپرولتاریا است.

از آنجائیکه سرمایه‌دار پیوسته درتلاش تحصیل سود فراوان است وکارگران رابیشتر وبیشتر استثمار میکند وهمیشه موجب بحرانهای اقتصادی، بیکاری وجنگهای غارتگرانه ودرنتیجه باعث آلام وبدبختی عظیمی برای زحمتکشان میگردد، کارگران نمیتوانند باچنین وضعی دمساز گردند وعلیه استثمار سرمایه داری بمبارزه برنخیزند.

مبارزه طبقاتی کارگران باسرمایه داران کاملاً باقوانین تکامل جامعه انطباق دارد. این وظیفه بزرگ تاریخی کارگران است که برای همیشه استثمار را از جامعه محو سازد وسرمایهٔ داری را نابود کند ونظام نوین اجتماعی بدون طبقات را بوجود آورد. این وظیفه عالیه از عهده دیگر طبقات اجتماعی برآورده شده‌نمیتواند، زیرا سرمایه داران (بورژوازی) تنهاوقتی که بر علیه فئودالها مبارزه میکرد مترقی بود، اما پس از اشغال قدرت خصلت ارتجاعی یافت وهدف آن فقط و فقط استثمار خلق کارگر برای همیشه(!) است.

قشر های متوسط جامعه سرمایه داری که عموماً دهقانان، پیشه‌وران استند وموضع مستقلی ندارند تاپایان جنبش، مبارز پیگیر نیستند. معهذلک هراندازه سرمایه‌داری رشد یابد قسمت اعظم دهقانان وپیشه وران ورشکست میشوند و به صفوف زحمتکشان میگرایند و کارگران میتوانند آنهارا بطرف خود جلب کنند وبه متحدین خویش تبدیل نمایند.

درجامعه سرمایه‌داری، روشنفکران (اطباء، مهندسین، تکنیسینها، معلمان، ماموران علمی وغیره) نمیتوانند مبارزین پیگیر باشند. روشنفکران مجبورند در خدمت طبقات استثمار گر درآیند. معهذلک قشر های وسیع ماموران ونیزبخش مهمی ازروشنفکران که‌سرمایه داری آنهارا بجانب زحمتکشان میکشانند متحد طبقه کارگر میشوند.

اکنون در عرصه ملی وبین‌المللی، انحصار های سرمایه داری دشمن عمده طبقه کارگر وهمچنان دهقانان پیشه‌وران وسرمایه داران کوچک دیگر شهری واکثریت ماموران و روشنفکران وحتی قسمتی ازسرمایه‌داران متوسط استند. بدینجهت طبقه کارگر ضربه اساسی خود را علیه انحصار های سرمایه داری که حامل نیرومند قدرت امپریالیزم، ارتجاع وجنگ وفاشیزم وبرضد صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم است متوجه میسازد. پرولتاریا (طبقه کارگر مزدور) پروگرامی برای مبارزه علیه قدرت مطلقه انحصار های سرمایه داری پیش میکند که‌درآن نه تنها منافع موجود تمام خلق ومتحدین خودرا تأمین مینماید بلکه منافع آینده‌آنان رانیز درنظر میگیرد، مثلاً پرولتاریا از ملی کردن وسیع که حداکثر توضیع مردم مفید باشد طرفداری میکند، از اصلاحات اساسی ارضی به نفع دهقانان پشتیبانی مینماید، در راه دموکراسی وسیع با قطعیت تمام مبارزه میکند... وغیره که همه بمصالح عظیم خلق توافق تام دارد. مؤجز اینکه طبقه ای‌که در جامعهٔ سرمایه داری تاآخیر جنبش، مبارزه پیگیر میکند طبقه کارگراست. کارگران بامترقی‌ترین ورشدیابنده ترین شکل تولید یعنی صنایع ماشینی درارتباط و در رشد وتکامل دایمی اند. کارگران اساساً ازهرگونه مالکیتی محروم اند وبنابرین چیزی ندارند که درمبارزه ازدست بدهند. کارگران باآزاد کردن خود تمام زحمتکشان‌را ازیوغ استثمار وستمگری آزاد میسازند، زیرا برای همیشه‌به استثمار انسان از انسان خاتمه میدهند.

(باقی در شماره آینده)

از «صفحه اول»

هزار ملیون افغانی...

قیمتی که بدسترسش گذاشته شده بود، بالای ترانسپورتهای دیگر بفروش رسانیده واز ینراه مبلغ هنگفتی بیش از یکصدو چهل ملیون افغانی یعنی بیشتر از بودجه یکساله وزارت صحیه دستبرد زده شده و همچنان درین گزارش قید است که بیش از ۸۳۰ ملیون افغانی دیگر انحصارات دولتی بنام باقیداری بالای ماموران تانکهای پترول، تحویلدارها و ترانسپورتهای خصوصی وغیره در چند سال اخیر پای درهوامانده‌است، که‌دربتصورت درحدود هزار ملیون افغانی مساوی بریک پنجم بودجه عادی وانکشافی سالانه کشور در سال جاری توسط مشتی محدود از مفتخوران واستفاده جویان غارت گردیده است.

گزارش میرساند که انحصارات دولتی باممتاز ترانسپورت معاملات بخصوصی داشته است وباوصف اینکه ۱۲ فقره استفاده نامشروع این شرکت ترانسپورتی از طرف مقامات حکومتی به تفتیش انحصارات اطلاع داده شده، که‌مورد بررسی قرار گیرد، اما موضوع مسکوت باقیمانده.

مثال بالا مشتی نمونه خروار است که برملا گردیده است والا دها و صدها مثال دیگرازچنین غارتگریها و چپاول گری ها وجود دارد که ازطرف بیروکراتهای فاسد رشوه ستان وبه دستیاری ایشان بسود طبقات وقشار مرتجع صاحب امتیاز جامعه انجام شده است.

مردم جداً انتظار دارند: اکنون که این موضوع مطرح بحث ولسی‌جرگه قرار گرفته است و حکومت بنا بر مسؤولیتی که در زمینه بایداحساس نماید، عاملین واقعی این یغماگری به محاکمه کشانیده شود، اما از آنجائیکه پایه‌حکومتهادرافغانستان ماهیتاً برطبقات ارتجاعی استوار است نمیخواهد و نمیتواند که‌نه‌تنها اقدامی جدی در زمینه جلوگیری ازدستبرد به‌منافع عامه بنماید، بلکه برعکس باذهنیت تخریب سکتور عامه باعث تشویق سؤ استفاده های بیشتر از طرف متنفذین وبیروکراتها ودستیاران شان میگردد.

معهذا! هنگامی میتوان انتظارداشت که به تمام این همه‌دزدی ها وخیانت‌ها پایان داده شود که حکومتی دموکراتیک وملی درین مرحله قدرت را بدست گیرد واجازه ندهد که نه تنها بامنافع عامه اینطور بیباکانه و بدون ترس بازی گردد بلکه واقعاً از تمام امکانات ومنجمله سکتور دولتی در جهت رشد سریع اقتصاد کشور و به نفع مردم و برای ایجاد بنیاد دموکراسی واقعی استفادهٔ درست بعمل آید.

ترجمه از م.(بری)

جولیوس فوچیک

-۲-

آهسته وبا اطمینان حرف میزدم وبازو هایم راتکان میدادم. بگذار هر آنچه میخواهند فکر کنند. بگذارفکر کنند که من مدتهاست شوهرم را فراموش کرده ام.

ولی قلبم بشدت می طپید.

همهٔ اشیای روی میز را برهم‌زدند. ومحتویات آنرا بالای میز پاشان نمودند. یکی از آنها کاغذی را بدست آورد که چیزی روی آن نوشته شده بود. با دقت خاصی‌به خواندن آن پرداخت وسپس فریاد بر آورد:

—«این‌چیست؟...» وکاغذ را در برابر چهره ام قرار داد. به آن نظر انداختم. روی آن الفبای عربی نقش بود که چند سال قبل کسی آنرابرایم نبشته بود ودرین‌مدت بکلی ازخاطرم فراموش‌شده بود کاغذ رابالای میز گذاشته گفتم:

—«این الفبای عربی است.»

—«دروغ گوی این رمز است وبگو رمز چیست؟...— شوهرت کجاست؟»

—«این الفبای عربی است ومیتوانید آنرا توسط متخصصی بررسی کنید.»

—«خاموش!— حرف بزن شوهرت کجاست؟»

—«نمیدانم— اورا ندیده ام.»

(بعد ها درکاخ پیکوف‌نزد گشتاپو در «چهار صد» جولیوس‌با من زمزمه کرد که آنها چندین‌بار از وی دربارهٔ نوشته های (غیر قانونی) یک پارچه کاغذ که میگفتند در خانهٔ ما یافته‌اند وادعا میکردند که رمز است، وی را مورد باز جویی قرار داده اند.

وقتی برای جولیوس گفتم که آن پارچه کاغذ الفبای عربی‌بود، از خندیدن بی اختیار به هوشیاری گشتاپو در آن سیاه چاه سرد وبی بنا خود داری نتوانستیم)

یکی از فاشیست ها رادیو را بپالید وپشت بمن کرده صدا زد:

—«شوهرت کجاست؟»

احساس میکردم که خوشبخت‌ترین زن روی زمین بودم، زیرا اطمینان داشتم که آنها نتوانسته اندجولیوس را دستگیر کنند.

من اطلاع مختصری هم از ساعت هاییکه او در زیر شکنجه‌میگذشتاند نداشتم.

—«نمیدانم اورا ندیده ام»

چندین مرتبه این جمله را تکرار کردم.

—«برخیز لباست را به تن کن با ما بیا.»

از لباسهاییکه روی فرش اتاق پراکنده‌بود، دامن آبی وپیراهن‌خودم رابر داشتم. جولیوس‌آنرابرایم‌خریده بود. جاکت بافته شده وبالاپوشم را بر گرفتم.

آنچه بر میداشتم آنهابدقت نگاه میکردند. یکتن از گشتاپو هاشروع به غرغر کرد.

—«باخود چیز زیادی نبر. بزودی بر میگردی.»

(ومن سه سال بعد بر گشتم.)

به تشناب رفتم تالباسهایم را بپوشم. خواستم در را ببندم ولی دو گشتاپو مرا تعقیب میکرد و یکی از آنهابا من داخل تشناب شد ودوی دگر کنار در ایستاده بودند. پشتم‌را به آنها کردم تابتوانم به آسودگی لباسهایم را به تن کنم. مرد گشتاپو بصورت مسخره آمیزی‌خندید وگفت:

—«پس تو نمیدانی شوهرت کجاست؟— هی»

گفتم:

گوستافو چیکوا

—«نمیدانم اورا ندیده ام.»

به این می اندیشیدم که جولیوس طی این لحظات چه میکند؟ حتماً در حال خواب است.

ساعت (۲) صبح بود.

اگر او میدانست که آنها دو باره به خانهٔ ما آمده اند!

آنها مرا رهنمایی کردند، چراغ تشناب و همه جا با رفتن آنها خاموش شد، دروازه را بستم وکلید خانه را در بکس دستی ام گذاشتم. یکی از گشتاپو ها کاغذی را روی دروازه چسپاند تاخواستم آنرابخوانم مرا کنار کشیده وباخشم گفت:

—«برو!»

هر چهار ما از منزل فرود آمدیم. مردم خانه ها خواب بودند. موتری مقابل خانه‌درکوچه‌منتظر ما ایستاده بود. هیاکل بلند خانه هادر روشنی آسمان نمایان بود.

کوچکترین صدای یا آوازی شنیده نمی شد، گویی همه افسون شده بودند.

یکی از گشتاپو ها مرا بداخل موتر پرتاب کرد، دوتن از آنها به جلو نشستند وسومی کنارمن. درایورماشین را روشن کرد وبلافاصله به حرکت افتید. همهٔ اشیای دور وبرم سرد ومنجمد بود. گویا آنچه برمن میگذشت برای آنها بی تفاوت بود. مدت زیادی در آخرین قسمت پراگ حرکت کردیم وباز هم دورتر ودورتر پیشرفتیم. همه چیز طوری از نظرم میگذشت مثل اینکه آنها از من میپرسند شوهرت کجاست؟، ومن بازجواب میدهم نمیدانم، اورا ندیده ام.

جولیوس کجا بود؟ فکر کردم با زیبا روویس، وجیلنکس، ویابانکینوویس؟

(باقیدارد)

ا. عمر فیض ــ کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

شرعی جوزجانی

ادبیات روائی خلقهای اوزبک و ترکمن

ادبیات روائی یا شفاهی یک‌بخش مهم تاریخ ادبیات ترکی زبانان واز جمله خلقهای‌اوزبک و ترکمن‌را تشکیل میدهد. این بخش ادبیات مشتمل بر ترانه ها، سرود ها، داستانهای منظوم، ضرب المثل ها، افسانه ها، اشعار لیریک و پارچه های لطیف و زیبای ادبی میباشدکه یک قسمت آن خیلی پیشتر ازادبیات کتبی بوجود آمده، از دهانی به‌دهانی از نسلی به نسلی و از دوره ای به دوره ای انتقال نموده است.

ادبیات خلقهای اوزبک و ترکمن مشحون از احساسات وطندوستی، عشق و علاقه به کار و شکار واحساس محبت نسبت بهمنوع بوده خلقها در انواع سرود ها و ترانه‌ها، کاروانسرا احت، غم و شادی شهامت ودلاوری خویش را ترنم کرده، فصول سال و مناظر زیبای طبیعت راهنرمندانه تصویر مینمایند ومردم رادرسخنان‌حکمت‌آمیز به خصائل نیکو و پسندیده ترغیب میکنند.

ازقدیمتر ین سرود هایی که درمورد شکار انشاد گردیده بر می آید که شکارچیان ضمن استفاده از سگ، اسپ ومرغ شکاری از اصول بسیار بسیط وابتدائی صید یعنی شکار توسط پارچه های سنگ نیز کار گرفته‌اند. مثلاً باین سرود که در کتاب «دیوان‌لغة الترک» آمده توجه کنید:

«چا غیر بیر یب قوشله تو
تایغان ایز یب تیشله تو
تولکی تو نغیز تا شله تو
اردم بیله او کله لیم»

ترجمه: «مرغ شکاررا بدست جوانان داده بشکار برویم،
سگان شکاری را از پی صید رها سازیم،
خرس و روباه را با پارچه های سنگ بزنیم،
وآنگاه پیروز ببهای خود رابستائیم».

ادبیات روائی این خلقها باتجارب ودست آوردهای گرانبهای خویش برای بوجود آمدن ادبیات کتبی زمینه مساعدی ایجاد کرد و تاکنون هم چون چشمهٔ لایزالی برای ایجادهای نوین ادبی دردسترس نویسندگان و شاعران قرار دارد.

ادبیات روائی همیشه در همان حالی که ابتداءً بوجود آمده باقی نمیماند، بلکه دوباره بصورت خلاق دستخوش تحولات گوناگون‌میگردد وبا احتوای معلومات نوین به غنای خود می افزاید، با شرایط تاریخی نوین وفق پیدا میکند و با آثاری که بعداً ایجاد میشود توأم میگردد وبدینسان یکجا با جامعه بحیات خویش ادامه میدهد.

از شاهکار های ادبیات روائی خلقهای اوزبک‌وترکمن و دیگر ترکی زبانان داستانهای «طاهر وزهره»، «بوز او غلان»، «گل و صنوبر»، «عاشق شاه صنم و غریب»، «یوسف‌ـ احمد» و حماسهٔ «عوض‌ـ کور او غلی» را میتوان نام برد که هر یک دارای ارزش و اهمیت خاصی میباشد. اینها کتابهایی اند که بر اساس ایجاد خلقها بوجود آمده وبمورد علاقه عامهٔ مردم قرار گرفته اند.

خلقهای اوزبک و ترکمن و دیگر خلقهای ترکی زبان افغانستان‌در طی دو ران طولانی ای که از فرهنگ وزبان خویش محروم مانده اند، باوجود فشار شدید ستم ملی ونداشتن وسیلهٔ نشر و اشاعهٔ فرهنگ، هیچگاه حاضر نشده اند علاقه خود را با سابقه فرهنگی خویش قطع نمایند و نتیجتاً علاوه بر اینکه نسخه های خطی یا چاپی آثارمکتوبهٔ ادبی خویش را چون جان عزیز نگاهداشته اند، گنجینه های فولکلوریک ادبی خویش رانیز از زبانی بزبانی واز نسلی به نسلی انتقال داده و تاکنون تا حدی از دستبرد زمان محفوظ نگاهداشته اند.

این خلقها مانند دیگر خلقهای نجیب افغانستان دست به ایجاد های تازه به تازه ای زده، آلام وبدبختی‌ها، شرائط دشوار وطاقت فرسای حیات وامید واری خویش‌را به آینده در قالب اوزان و مصراعهای بدیعی که از قرنها بدینسو معمول بوده انعکاس داده و علیه بیداد و ستمگری بهره کشان ومجریان ستم ملی فریاد های خشمگین‌خودرا بلند کرده اند.

داستان عاشقانهٔ «یازی و زیبا» یکی از آثار بدیعی است که طی‌یک قرن اخیر در «قیصار» ولایت فاریاب بوجود آمده است. درین داستان ماجرای عشق آتشین دختر وپسری تمثیل میگردد که بر سنن پوسیدهٔ محیط که چون زنجیری بر دست وپای‌آنان‌کشیده‌شده، یورش میبرند ودر پرتو محبتی مملو از شور ونشاط دو بیتی های لطیف و زیبای این داستان را بوجود می آورند وما طور نمونه یک دو بیتی آنرا درینجا قید میکنیم:

«دریائی شین و قیگه، مین بقیگه
قول‌تو تیشیب فیچقری: اوت بقیگه!
مین بارسم ایل لر ملامت قیله دی،
کورسه‌کوزی کوربوسین اوت‌بقیگه!»

ترجمه: «تو در آن کنار در یا استاده‌ای و من درین کنار.
دستان خود را بر لب گرفته فریاد میکشم: بیا... اینطرف بگذر! عزیزم! اگر من نزدت بروم مورد ملامت مردمان قرار خواهم گرفت، باآنهم بیا وبگذار تا چشمان شان ازدیدن من و تو کور شود!»

یکی از شاعران حساس وچیره‌دستی که با روحی عصیانگر علیه ستم و بیداد خوانین و ستم ملی پرچم مبارزه را بلند کرد «نیازی بلخی» مرحوم است. او با استفاده از اصطلاحات لطیف وزیبای ادبیات خلق خود و مواد فولکلوریک آن به غنای ادبی خویش افزوده و دیوانی بدو زبان دری واوزبکی بوجود آورد. آثار این شاعر که‌دست‌بدست‌میگردد نمودار اشتیاق وعلاقهٔ شدید این خلق ها بفرهنگ و زبان مادری شان بوده وبهترین‌سرمشق برای آن شاعران تازه‌کار ونو آوریست که میخواهند درین ساحه دست به ایجاد وابتکار بزنند.

در انجام این مبحث‌ضرب المثلی چند با ترجمهٔ دری آن برای آشنائی بیشتر خوانندگان تقدیم میداریم:

«قلباغیم قار اوستیکه، او له من غار وستیگه»
ترجمه: «کلاه خود را روی برف گذاشته ام (منظور آمادگی است) تادر راه دفاع از ناموس جان بدهم»

«قلدک ایشله، بیکدک تیشله»
ترجمه: چون برده کار کن وچون بیگ بخور.

«یشلمگن تیشلمیدی»
ترجمه: آنکه کارنمیکند،نمیخورد.

«بخشیلیک قیل امید وار بول، یمانلیک قیل خبر دار بول»
ترجمه: نیکی کن‌وامید وار باش، بدی کن و خبر دار باش.

«گپ بروت که بو لسیدی، پشک وزیر بو لردی»
ترجمه: اگر حرف بر سر بروت میبود، حالا پشک وزیر بود.

«نانینگ بو لمسه، جا نینگ‌یاق»
ترجمه: اگر نان نداری، جان نداری.

«مهمان آتنگدن او لوغ»
ترجمه: مهمان را بزرگوارتر از پدر خود بدان.

«یگیت کیله دی ایشگه، قری کیله دی آشگه»
ترجمه: جوان برای کار کردن می آید و پیر برای نان خوردن.

«بچه‌گه تیش یره شر، یگیت‌گه ایش»
ترجمه: به طفل دندان می زیبد وبجوان کار.

از (ص۲)

افغانستان کانون امراض گوناگون

بصراحت می توان اظهار داشت که ۹۵ فیصد مردم کشور دچارچنین اوضاع رقت آور وفلاکت بار اند. گذشته از ولایات وقرای دور افتاده ووضع کوچیان بی‌سامان کشور، در شهر ها منجمله شهر کابل پایتخت کشور بسیاری از کودکان دراولین سالهای تولد بمبتلا شدن به‌ساده‌ترین بیماری‌ها میمیرند. روزی نیست که نهال زندگی عده‌ئی از کودکان راسرخکان، چیچک، دفتری، سوء تغذی، واسهال های شدیدوغیره‌درو نکند. دسته‌دسته کودکان چون برگهای خزانی بر زمین می ریزند، گلهای که هنوز نشگفته اند پژمرده میشوند ووسیله ئی برای نجات آنها نیست. طرز زندگی، مسکن و آب آشامیدنی در شهرها نیز رقت آور است.

در یکی دو شهر کلان تنها در حدود ۱۵ الی ۲۰ فیصد مردم‌ازآب آشامیدنی نسبتاً صحی برخوردار اند متباقی اکثریت ۷۵ فیصد ازدریاها، جوی ها وچاههای سطحی وملوث‌آب می نوشند ولی از آبهای صحی در حوض های آببازی آغازاده هابرای تفریح وسرگرمی شان استفاده میشود. زندگی اکثریت توده های مردم در مقایسه باخوش گذرانی یک اقلیت ناچیز و ستمگر بی ارزش است.

بنابر عدم توجه طبقات حاکمه ارتجاعی ومستبد کشور قانون اساسی نیزدر حرف باقی مانده ونتوانسته درد های مردم را دوا کندوبا نتیجه‌ئی عاید حال شان نماید. غذای اکثریت مردم را در شهرها، در ایام تابستان نان خشک وبعضاً باانگور دانگی و در زمستان نان خشک بعضاً با میدگی توت تشکیل میدهد.

علت اساسی این همه‌نابسامانیها در آنست که پولهای هنگفتی ازکیسهٔ مردم، درعوض آنکه بمصرف صحت وفرهنگشان برسد، از یکسو بمصرف بیجای تورم تشکیلات، بمصرف ایجاد عمارات مجلل وباشکوه در شهر، بمصرف مبل وفرنیچر آخرین مدل برای نورچشمیها وبمصرف رفاهیت وآسایش آنهادر خارج از کشور میرسد واز سوی دیگر به شکل سرسام آوری از جیب‌مردم به بانکهای خارج نقل داده میشود.

بر روی این حقایق تلخ وغم انگیز هر گاه خواسته باشیم تا بلوی رقت بار صحت و حفظ الصحهٔ‌عمومی رادر افغانستان زنده ترترسیم نمائیم، به چند رقم تخمینی زیرین بصورت نمونه مراجعه می کنیم:

سال ۱۳۴۷ نفوس کشور: ۱۶ ملیون داکتر ۴۷۵ نفر یعنی برای هر ۳۴ هزار نفر یک داکتر.

نرس ۳۷۸ نفر یعنی برای هر ۴۳ هزار نفر یک نرس.

بستر ۱۶۰۰ عدد یعنی برای هر ۱۰ هزار نفر یک بستر.

هر گاه این رقم با ارقام صحی کشور های همسایه مقایسه‌شود سطح نازل بهداشت درکشورما بخوبی آشکار می گردد.

توجه‌کنید! تنهایک رقم را ارائه می کنیم در یک کشور همسایهٔ بزرگ برای هر ۴۵۰ نفر یک داکتر وجود دارد.

• کشور دیگرهمسایه به تناسب نفوس پنج الی ده چند پرسونل طبی بیشتر از افغانستان دارد.

باز هم جای‌تأثر است که قسمت اعظم وسایل ولوازم وپرسونل صحی در کابل، آنهم برای یک عده معدود تخصیص داده شده است وعده ئی هم که در اطراف وولایات مشغول کار اند بدون وسایل ودوا چگونه‌میتوانندمریضی را ازکام مرگ نجات دهند؟ تعداد شفاخانه‌ها نسبت به نفوس و تعداد مریضان بی نهایت قلیل وحتی‌ناچیز است، به اثر فقدان وسایل تداوی درین شفاخانه‌ها باید اعتراف‌نمود که بهبود یک انسان‌درواقع تصادف است.

بر اساس این فعالیت است که افغانستان بیک تحول‌عمیق‌درامور حفظ‌الصحهٔ عمومی مردم نیاز مند است‌و بوجود آوردن این‌تحول ایجاب منابع لازم مالی، تربیهٔ پرسونل فنی، سازمان و نقشهٔ صحیح‌کار را می کند، زیرا تداوی صدها هزار انسان مریض، ترتیبات طب وقایوی، پاک کردن محیط از انواع کثافات وآلودگیها و ایجاد محیط مناسب زندگی یعنی مجادله است در طریق تندرستی مردم، فقط در صورتی به پیروزی می انجامد که‌محیط اجتماعی سالم باشد وبخصوص شرایط کار و زندگی مردم بهبود یابد.

حمایهٔ سلامتی مردم وظیفهٔ دولت است:

در دوران معاصر وظیفه حفظ وبهبود دایمی سلامتی تمام‌مردم بعهده دولتها ست، تنهادولتها ئیکه نماینده واقعی خلق‌کارگر کشوراند می‌توانند این وظیفه عظیم ملی را بکمک یک رشته تشبثات اجتماعی، اقتصادی‌و طبی انجام دهند وپروگرام های وسیعی در زمینهٔ وقایه مردم از امراض و تقلیل قطعی مریضیها و ریشه کن ساختن بیماری های عفونی وساری، وافزایش بیش از پیش حد اوسط طول عمر مردم بموقع اجرا بگذارند.

امر حمایهٔ سلامتی مردم مستلزم ساختمان و توسعهٔ موسسات مجانی‌وعمومی طبی، از آنجمله‌احداث شفاخانه‌ها واسایشگاهها وتجهیز همه موسسات طبی به دستگاهها وآلات ووسایل معاصر وبرقراری نظارت دایمی (با مسؤولیت طبی) بر تمام افراد جامعه است. تاسیس وتعمیم شبکهٔ موسسات مخصوص حفظ سلامتی مادران و اطفال در شهر ها ودهات یکی ازمسایل‌عمده بشمار میرود.

همچنین یکی از مهمترین وظائفی که بعهدهٔ دولتها قرار داردانیست که نسل‌جوان را باید از همان دوره کودکی تندرست و با رشد همه جانبه از لحاظ جسمی و معنوی بار آورد.

عامل تعیین کننده زندگی‌مردم‌قوانین عینی اجتماعی است که در خارج از شعور واراده افراد عمل می کند. بیماری یک واقعیت عینی است‌که همهٔ ما را احاطه کرده است. وجود اورگنیزم بدون محیط خارجی‌محال است. لهذا برای حفظ موجودیت انسان در قدم اول باید محیط وشرایطی را که پیوسته به وی‌تأثیر می‌بخشد در نظر گرفت.

علمای حفظ الصحه منحیث المجموع به این اصل علمی اتفاق دارند که: «بیماری‌عبارت است از برهم خوردن توازن و تعادل بین‌عضویت ومحیط». بدین جهت برای پیروزی بر مرض‌باید محیطی راکه خلق درآن زندگی می کنند از ریشه تغییر داد.

احصائیه دانان و متخصصین صحی اعلان می کنند که مبارزه در طریق تندرستی مردم فقط در صورتی به پیروزی می انجامد که محیط و شرایط اجتماعی سالم باشد و بخصوص شرایط کار وزندگی مردم بهبود یابد. روی‌همین منظور است که رهبر بزرگی‌میگوید: «باید حکومتها اقدامات خود را در مورد حمایت از تندرستی افراد مقدم بر هر چیز بانجام اقدامات وسیع صحی، بمنظور وقایه ازتوسعه بیماریها مبتنی کنند».

بر اساس این حقایق علمی‌است که ما پیوسته شعار میدهیم که تادر افغانستان یک تحول عمیق وتغییر کیفی وبنیادی رخ ندهد در شرایط موجود سیاسی، اقتصادی، اجتماعی امیدی برای رهائی خلق افغانستان از فقر، جهالت وبیماری برده نمی شود.

محافل حاکمهٔ سیاسی موجود کشور قادر بانجام هیچ‌کاری‌نیست وعمداً به آنچه ارزش قایل نمی شود حمایهٔ سلامتی خلق افغانستان است.

از (صفحه اول)

بیانیهٔ وکیل ببرک کارمل...

افغانستان، به فساد وهرج و مرج اداری آلوده نمیبودند و دست به اختلاس ودزدی برده نمیشد و طبق پیشنهادات متخصصین (خارجی‌ـ پروژه) در زمینه بکار بردن صحیح نقشه وپلان کار پروژه، در بکاربردن درست مواد و لوازم، واستفاده‌مؤثر قوای بشری یعنی از پرسونل وکار گران، دربهره برداری درست فی‌واحد افغانی بدون صدها خراب‌کاری و سبوتاژ قصدی عمل‌میکردند قیمت تمام شد پروژه از این هم پائین‌تر می‌آمد. یعنی براساس تخمین ما قیمت مجموع پروژه بخصوص مصرف افغانی آن از ۲۷۰۰ ملیون به ۲۰۰۰ حتی کمتر از آن تنزیل میکرد.

روی سنجش تخمینی و نمونه‌وی که هیأت محترم تحقیق کرده است بیش از ۲۵ ملیون افغانی اختلاس ودزدی و خیانت شده‌است. این مشت نمونه خروار است. هر گاه این تخمین نمونه وی را وسعت‌دهیم وخیانت های پنهانی و تخریبات قصدی علیه پروژه را مثلا شروع شدن (تابهنگام) پروژهٔ ماهی پر راکه خارج پلان بود و برای تقریباًیکسال راه حمل ونقل نزدیک به‌پروژه‌نغلورا مسدود ساختند و سامان ووسایل پروژه روی اجبار از راه(طولانی و‌نامساعد) لته بند حمل میگردید وقیمت تمام شد پروژه را بلند برده وده ها خرابکاری (سبوتاژ) دیگر عمال داخلی را در آن داخل سازیم بسان مصارف زائد اداری اختلاس ودزدی و غیره، به بیش از ۳۵ چند تخمین هیأت تحقیق بلند میرود.

همچنان خاطر نشان میگردد: دسایس دیگری که موجب تشویق فساد وارتشأ ویاعدم جلو گیری از اختلاس ودزدی وخیانت به پروژه های بزرگ صنعتی کشور که‌شامل سکتور دولتی اقتصاد اند بقصد نیات سوء ذیل است:

۱ــ بمقصد جلو گیری از تقویه صنایع ملی بنابر نفوذ سیاسی استعمار گران جدید و مرتجعین داخلی.

۲ــ بمقصد بدنام کردن سکتور دولتی اقتصاد ازطریق بلند بردن قیمت تمام شد پروژه و فشار بی‌رحمانه بالای کارگران و عقب‌نگهداشتن قصدی (رشد سریع اقتصادملی) افغانستان. اکنون‌سوال در اینجاست که مسؤول این همه فساد، دستبرد ها و خیانت ها به‌ثروت های ملی ما کیست؟

بیک جمله جواب داده میشود: حکومتهای‌افغانستان مسؤول است!

نکته‌ایکه در گزارش هیأت تحقیق و لسی جرگه درموضوع نغلو قابل انتقاد است عبارت از این میباشد که لبهٔ تیغ مسؤولیت را بعهده ماموران کم رتبه ودرنهایت بالای یک رئیس نغلو وارد کرده‌است. درحالیکه درپروژه نغلو چندین‌رئیس ودروزارت معادن و صنایع چندین وزیر واز لحاظ حکومتها سه‌حکومت بیهم‌مسؤولیت دارند وباید هیأت محترم تحقیق بصورت مشخص مسؤولیت هر یک از آنها را در دستبرد ها و تخریبات پروژه نغلو مشخص میساخت. و همچنان تخریبات قصدی که در برابر پروژه نغلو از طرف عمال داخلی وارد کنندگان آن وارد میگردید هیچگونه تذکری نداده‌اند.

اکنون اجازه بدهید سوالی طرح کنیم. راه های علاج‌عاجل کدام‌است ووظیفه ملی مجلس در برابر راپور هیأت تحقیق و لسی‌جرگه‌درموضوع نغلو چیست؟

۱ـ بعقیدهٔ ما نتائج تحقیق هیأت باید بصورت نمونه تلقی گردد وباید مجلس چنین فیصله کند که مشابه باین پروژه در تمام پروژه های صنعتی، ساختمانی، زراعتی، فساد ودستبرد، اختلاس، رشوه وتخریب وجود دارد ودر حدود نصف مصارف بودجه انکشافی و عادی (افغانی) مورد حیف ومیل ماموران دستگاه اداری دولت افغانستان توأم با مسؤولیت های ملی حکومتهای افغانستان قرار میگیرد.

۲ـ ولسی جرگهٔ‌افغانستان بافشار سیاسی وحقوقی ایکه طبق قانون اساسی دارد دولت افغانستان راوادار به بوجود آوردن اصلاحات عمیق و اساسی اداری، مالی واقتصادی نماید.

۳ـ برای (ریشه کن ساختن بنیادی فساد (دستگاه اداری)ماموران (ناصالح) وخاین (به‌اموال عامه) باید از طرف ولسی جرگه ترتیبات قانونی اتخاذ گردد که یک محاکمه آزاد و ملی و صدیق به مردم افغانستان ایجاد گردد و نه تنها مسؤولین پروژه نغلو را، بلکه آن ماموران بزرگ، وزراء وصدراعظم‌های که

(درص٤)